

«یادداشت هایی در رابطه با سازمان یابی کارگران»

(۲) "خانه کارگر" و سازمانیابی مستقل کارگران

منصور سلطانی، (۲۴ مه ۲۰۰۳)

mansour_soltani@hotmail.com

اخیرا برخی از فعالین کارگری در مصاحبه های مختلفی، در رابطه با سازماندهی مستقل کارگری از حفظ "خانه کارگر" (و نه لغو آن) صحبت می کنند. (۱) همه عزیزان سالهای بی حقوقی محض و ممنوعیت ابتدایی ترین تلاش برای سازماندهی کارگری در سالهای پس از ۱۳۶۰ را بخوبی بیاد دارند. بعنوان کسی که در این سالها تلاش نمودم تا بجای فعالیت در خانه کارگر اشکال دیگری از سازماندهی کارگری را امتحان کنم مایلیم با این دوستان دیالوگ و مباحثه ای در رد این نظر و خطرناک بودن آن در موقعیت فعلی جنبش کارگری داشته باشم.

دوستان عزیز ما قبل از مخالفت با نظریه لغو "خانه کارگر"، بعنوان تشکلی که اساسا در مقاطع و به انحاء مختلف به فعالیتهای سازماندهی مستقل کارگری ضربه زده، بهتر بود به دلایل فعالین این دوره سیاه دقت بیشتری میکردند. از نظر من قبل و بیش از هر موضوعی، تعیین تکلیف با کسانی که به انحاء مختلف در مقابل سازمانیابی کارگران ایستاده اند شرط اصلی پیشرفت کارگر ایرانی در سازماندهی مستقل خویش است. یکی از دلایل عدم سازمانیابی مستقل کارگری در ایران، حتی در مقایسه با کشوری نظیر پاکستان و غیره، مقابله شدید با فعالین و سازماندهندگان کارگری بوده است. دلیل اصلی اینکه "خانه کارگر" تا با امروز نتوانسته بخش حداقلی از کارگران را داوطلبانه و بخاطر منافع کارگری در خود سازمان دهد نیز نقش این تشکل در این رابطه بوده است. مسئولین "خانه کارگر" که روابط حسنه ای با سندیکاهای کارگری مانند "حق ایش" در ترکیه دارند، نیک میدانند که حتی چنین تشکیلاتی نیز جرات مخالفت با سازمانیابی سندیکاهای غیر وابسته و چپ در ترکیه ندارد. سرکوب بیش از ۲۰ سال فعالین کارگری ایران بجرم سازماندهی مستقل در مقابل چشمان مسئولین "خانه کارگر" جریان داشته و آنها نمی توانند ادعا کنند

که در مقابل این قلع و قمع کارگران و فعالین کارگری عکس‌العملی نشان داده‌اند. (البته مواردی که به اعضا خودشان و یا انجمن‌های اسلامی طرفدار مربوط می‌گردد مدنظر نیست)

آقای محبوب نمی‌تواند ادعا کند که از اخراج و سرکوب این کارگران اطلاعی نداشته‌اند! من می‌توانم با اسم و رسم حذف بخشی از این کارگران و فعالین را که انجمن‌های وابسته به "خانه کارگر" در معرفی آنان به اداره‌های حراست، بسیج و سپاه نقش اصلی را داشته‌اند، حضور کسانی که مایل به دیدن حقایق هستند، معرفی نمایم. فقط بشرطی که برای بار چندم این افراد زیر چکمه‌ها له نشوند. نویسنده این سطور جزو یکی از همین افراد است که در صورت وجود ذره‌ای از شجاعت، حرمت انسانی و صداقت در گفتار آقای محبوب آماده هست تا این همکاری‌ها را نشان دهد. همکاری‌هایی که منجر به دستگیری، ترک محل کار، از هم پاشیده شدن خانواده‌های زیادی گردیده و بعضاً نیز عامل خودکشی و یا اعتیاد و غیره در میان این فعالین بوده است. تنها عده قلیلی چون بنده توانستند از زندان و مرگ جان سالم بدر برند. زندانی شدن اکثر فعالین و رهبران کارگری دقیقاً بخاطر تلاش برای سازماندهی کارگران برای احقاق حقوق‌شان و زیر بار "خانه کارگر" و خواسته‌های غیر منطقی و غیر منصفانه آنها نرفتن بود. اگر هنوز فعالین این ارگان ذره‌ای به خود احترام می‌گذارند می‌توانند نوار بازجویی اینجانب را از حراست سازمان صنایع سنگین گرفته و گوش دهند.

آقای محبوب در مصاحبه خود با مجله "اندیشه جامعه" می‌گوید که آنها از همه فعالین کارگری (حتی غیر اسلامی‌ها) قدردانی می‌کنند! (نقل به معنی) من از ایشان می‌خواهم اگر بر همین حرف خود صادقانه پایبند است، بیایند در مطبوعات بطور علنی اعلام نمایند تا تمام کارگرانی که در عرض این بیست و چند سال با تهدید و زور زندان از کارخانه‌ها و مراکز کار اخراج، زندانی، شکنجه شده جمع شده و احقاق حقوق نمایند. ایشان و تشکیلاتشان نیز تعهد وکیل مدافع، و در دوره دادگاه حمایت همه جانبه از این کارگران را در دستور کار خود قرار دهند. آنوقت ایشان شاهد صف طولانی هزاران و بلکه ده‌ها هزار کارگر و یا فرزندانشان خواهند بود. اگر غیر از این است چنین تضمینی را از رژیم

ایران بگیرند تا به بینیم حق با من است و یا با ایشان. تا زمانی که "خانه کارگر" و مسئولین آن چنین "صداقتی" را از خود نشان نداده اند، من و امثال من با استناد به کدام دلیل می‌توانیم از حقانیت کارگری بودن این سازمان، ("خانه کارگر")، صحبت کنیم؟ با تکیه بر کدامین سابقه خوش و یا خدمات میتوان "خانه کارگر" را تشکل کارگری نامید و نگران "حذف" شدنش بود؟ من به نکاتی نظیر استخدام افراد معین در تعدادی از کارخانه‌ها بعد از سال ۱۳۶۱ برای ایجاد "انجمن‌های اسلامی" و فعالیت برای "خانه کارگر" صحبت زیادی نمی‌کنم که این خود حدیث دیگری است و آقای محبوب بهتر از بنده از این قضایا اطلاع دارند. ایشان حتما اطلاع دارند (باتوجه به تیزهوشی که از ایشان بیاد دارم) چگونه علیرغم ممنوعیت استخدام رسمی در بیشتر کارخانجات صنعتی، اما برای سازمان دادن انجمن‌های اسلامی و فعالیت برای "خانه کارگر" چه استثنائاتی که قائل نمی‌شدند؟

بنابر این الان نوبت "خانه کارگر" است تا ابتدا حقانیت نمایندگی حتی بخش راست جنبش کارگری را اثبات نماید، تا بتواند بر حیات خود ادامه دهد. این فعالین کارگری نیستند که بایستی به آنان مدال مجانی بدهند! "خانه کارگر" باید خود جایگاه خود را تعیین نماید، نه اینکه دیگران به آن جایگاه تقدیم کنند.

در انتها اگر این سازمان به خود و فعالین خود احترام قائل است، اگر این سازمان معتقد است که در خدمت کارگران (آنطور که رهبرانش ادعا دارند) بوده و هست، اگر نگران عدم استقبال کارگران از این ارگان نیست، اگر بر کردار و اعمال خود اعتماد دارد، اگر خود را از کارگران می‌داند، اگر فکر می‌کند در این یک چهارم قرن که تنها یک‌هزار و یکصد سال بوده اند "خدمت" کرده اند و بالاخره اگر هنوز شرافت و عرق کارگری بر جبین دارند بایستی از سازمانیابی کارگران به‌ر شکل که مایلند دفاع نموده و در این راستا آنان نیز در یک شرایط کاملاً مساوی اقدام به سازماندهی مجدد خود نمایند. آنوقت است که من و امثال من می‌توانند با چنین سازمان کارگری مخالف باشند، اما نمی‌توانند غیرکارگری بودن آنرا ادعا کنند. اگر کارگر ایرانی در یک شرایط آزاد و مساوی چنین تشکلی را سازمان داد آنوقت دیگر معضل و موضوع بحث چیز دیگری است نه بحث‌های امروز ما.

(۱) از جمله در مصاحبه‌ای با سایت اخبار روز